Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.16 (8); 2021, 155-190

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال هشتم، شمارهٔ ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۱۹۰-۱۵۵

تبیین مفهوم اقدام پژوهی در تلفیق هنر در دورهٔ ابتدایی به‌منظور پیاده‌سازی برنامه‌های آموزش هنری جدید [۱]

Explanation of the Concept of Action Research in Integration of Arts in Elementary Schools to Implement the New Art Education Programs

سمیه غلامی[۲]، دکتر ندا مذهب جعفری[۳]

چکیده: در اجرای برنامهٔ درسی جدید، آموزش هنر به حاشیه رانده شده است. بدین منظور باید فعالیت‌های علمی طرح‌ریزی شود که در آن فرد تلاش کند تا وضعیت نامطلوب موجود را به وضعیتی نسبتاً مطلوب تغییر دهد (اقدام پژوهی). هدف این مطالعه، تحقیق در مورد چالش‌های معلمان کلاس‌های ابتدایی در هنگام اجرای برنامهٔ درسی آموزشی هنر و همچنین تبیین مفهوم اقدام پژوهی در تلفیق هنر به‌منظور پیاده‌سازی برنامه‌های آموزش هنری جدید است. روش مطالعه تلفیقی و بر اساس اقدام پژوهی بوده است. با به‌کارگیری هنرهای مختلف (تلفیق هنر) و بهینه‌سازی شرایط اجرای آن (اقدام پژوهی) مشخص شد که دانش‌آموزان به تغییر برنامهٔ هنری برای چند محوری بودن آن علاقه‌مند هستند و نتایج رضایت بخشی هم در زمینهٔ آموزش و فراگیری آن ایجاد شد. پیاده‌سازی برنامهٔ درسی جدید بر مبنای تلفیق هنر باعث افزایش مشارکت و بهرهمندی از تأثیرات متفاوت و مؤثر تلفیق هنر شد.

واژگان کلیدی: اقدام پژوهی، تلفیق هنر، دورهٔ ابتدایی

S. Gholami, N. Mazhab Jafari (Ph.D)

Abstract: In the implementation of the new curriculum, art education has been marginalized. For this purpose, scientific activities must be planned which the person tries to change the unfavorable situation to a relatively favorable situation (action research). The aim of this study is the investigation of the challenges elementary classroom teachers face when implementing the new arts education curriculum and explanation of the concept of action research in integration of arts in elementary schools to implement the new art education programs. The method of study was integrated and based on action research. By using various arts (integration of art) and improving the conditions for its implementation (action research) it became clear that students are interested in changing the artistic program for its pivotality. Satisfactory results were also generated in the field of education and learning.Implementing of new curriculum program based on the integration of art will increase the participation. This program caused that students benefit from the different and effective effects of the integration of art.

Keywords: action research, integration of arts, elementary schools

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد با عنوان «تبیین مفهوم اقدام پژوهی در تلفیق هنر در دورهٔ ابتدایی به منظور پیاده سازی برنامه‌های آموزش هنری جدید» است. تاریخ دفاع: ۹۶/۶/۲۹ – تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹

۲. **دانشجوی کارشناسی ارشد** گروه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، تهران، ایران رایانامه : somigh24@yahoo.com

۳. **استادیار، گروه هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)رایانامه** : n.mazhabjafari@gmail.com

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مقدمه

کودکان دبستانی اغلب به‌طور طبیعی کنجکاوند و دوست دارند که به‌طور خلاقانه مسائل را یاد بگیرند تا اینکه اطلاعات از پیش آماده شده توسط والدین و معلمان را بیاموزند. کودکان به برنامه‌هایی درسی که آن‌ها را با تجربه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی مواجه و هیجان زده کند، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌ای مستلزم وجود معلمان خلاق و ایجاد فعالیت‌ها یا تدوین برنامهٔ درسی نوین است. این خلأ یا تغییر در تمامی دروس، به‌خصوص درس هنر احساس می‌شود؛ چرا که در سال‌های اخیر، توجه به هنر به‌خصوص در برنامهٔ درسی در مدارس به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. برای حل این مشکل اقدامات لازم و درستی انجام نگرفته است، بدین منظور و برای بالا بردن درجه اهمیت هنر و آموزش‌های هنری، باید فعالیت‌های علمی طرح‌ریزی شود که در آن معلمان و دانش‌آموزان تلاش کنند تا وضعیت فراگیری دروس را به مرحله بالاتر و مطلوبی ارتقاء دهند. این فرآیند در حالت کلی به اقدام پژوهی تعبیر می‌گردد و منظور از اقدام پژوهی یا پژوهش در عمل[1]، فعالیتی علمی است که در آن فرد حین کار و انجام دادن فعالیت تلاش می‌کند تا وضعیت نامطلوب را به وضعیتی نسبتاً مطلوب تغییر دهد و هدف کار بهینه‌سازی امور و اثربخشی آن است (دوستی و همکاران، ۱۳۹۰). از دیدگاه راولی[2]، اقدام پژوهی، شامل گردآوری و تحلیل اطلاعات برای بهبود دانش و عمل آموزشی است. به عقیده زوبر اسکریت[3]، اقدام پژوهی رویکردی موقعیتی (وابسته به موقعیت) برای حل مسئله‌ای ملموس می‌باشد که در وضعیتی اضطراری قرار گرفته است (زوبر اسکریت، ۲۰۱۰).

بحث اقدام پژوهی (معلم پژوهنده) از جمله دستاوردهای نوپایی است که از سوی پژوهشکده تعلیم و تربیت و شورای تحقیقات استان‌ها مورد توجه و حمایت قرار

[1] Action research
[2] Rowley
[3] Zuber-Skerritt

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

گرفته است و روند افزایش شرکت معلمان، طرح‌ها و برنامه‌های معلمان پژوهنده گواه این مدعاست (نامداری و همکاران، ۱۳۹۲).

در واقع معلم با پرداختن به اقدام پژوهی به خود کمک می‌کند تا حرفه‌ای شود و نقش خود را بهتر انجام دهد؛ یعنی معلم اقدام پژوه همیشه رفتار حرفه‌ای خود را نقد می‌کند و در صدد بهبود آن بر می‌آید؛ البته معلم برای پرداختن به چنین فعالیت‌هایی می‌باید از انگیزهٔ کافی برخوردار باشد و سلسله مراتب اداری از او حمایت و پشتیبانی کند (گویا، ۱۳۸۳).

تحقیق اقدام پژوهی در زمینهٔ هنر روشی است که به‌منظور کشف این موضوع که معلم های عمومی یا تخصصی چطور برنامهٔ درسی جدید هنری را اجرا کنند و مورد استفاده قرار دهند. معلم‌های تخصصی عموماً بر این باور هستند که تنها آن‌ها می‌توانند یک آموزش جامع و معنی‌دار را به دانش‌آموزان ارائه دهند. معلم‌های عمومی با این موضوع موافق هستند که معلم‌های تخصصی از توانمندی بیشتری برخوردار هستند؛ با این وجود، داشتن معلم تخصصی در تمامی مدارس با توجه به محدودیت‌های بودجه‌ای نمی‌تواند واقعیت پیدا کند و اخیراً توصیه شده است که هنر به‌عنوان درسی انتخابی در سطح مدارس نگه داشته شود، تردید وجود دارد که بودجه کافی برای استخدام معلم‌های تخصصی بیشتر وجود داشته باشد؛ بنابراین، آموزش هنر برای تمامی دانش‌آموزان زمانی به واقعیت می‌پیوندد که با معلم‌ها کار شود تا اطمینان و توانایی شان را افزایش دهند و ابهام در خصوص هنر را از میان بردارد (چایچی، ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد، آموزش هنر و تلفیق آن، به‌خصوص آن نوعی که با کیفیت همراه است، باعث ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری می‌شود و همچنین معلمانی که در مورد هنر و آموزش و تلفیق هنر آگاهی و اطلاع دارند کیفیت‌ها را می‌شناسند. «زبان درونی» که ایجاد می‌شود، زبانی پر از ایدئولوژی‌های مورد توافق، باورها و نکات ظریف و دقیق معنایی است (آغداشلو و همکاران، ۱۳۸۹).

مسئله مهم در این زمینه این است که آموزش هنر حوزه‌ای از برنامه‌های تحصیلی کلی کلاس درس می‌باشد که چندین سال است در ایران در حال تغییر است. فقدان صراحت در دستورالعمل‌ها باعث می شود که بسیاری از معلمان، کلاس‌های درس را به‌عنوان بخشی از

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مسئولیت تمام و کمال خود به‌عنوان معلم چندان جدی نگیرند. همچنین، اکثر معلمان کلاس های درس هنر، دانش بسیار محدودی در خصوص هنر دارند. تدریس‌های آن‌ها بر فعالیت های هنری محدودی که در ایام تعطیلات داشته‌اند و کلاس‌هایی کلی در خصوص کارهای خیلی ابتدایی هنر است. این احتمال وجود دارد که این معلمان قادر نیستند یا تمایل ندارند درس‌های جامع‌تر و پیشرفته‌تری را در خصوص هنر برنامه‌ریزی کنند. تمامی این عوامل با پیچیدگی پیاده‌سازی آموزش هنر در هم آمیخته است.

مانع بالقوه دیگری که در پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز درس هنر وجود دارد آن است که مفهوم آموزش هنر آن گونه که در برنامه‌های درسی ایران، به‌خصوص شهرهای پرجمعیت مانند تهران، البرز و ... طرح‌ریزی شده است برای بسیاری از معلمان، کاملاً جدید می‌باشد. این برنامه‌های درسی جدید کاوشگری و آزمایشگری را ترویج می‌کنند. دانش‌آموزان تشویق شده‌اند تا رابطه بین هنرها و محیط‌شان را مشاهده کنند. این وظیفه‌ای دشوار برای معلمانی است که درکی محدود از هنر دارند (ساکی، ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد که افکار عمومی خواستار پاسخ‌گویی بیشتر در آموزش می‌باشند و اظهار می‌کنند که دانش‌آموزان به اندازهٔ نسل گذشته و به خوبی آن‌ها چیز یاد نمی‌گیرند. تصور می شود که یک راه برای اصلاح این امر بازگشتن به سیستم آموزشی دهه‌های گذشته و یا ایجاد برنامه‌های اقدام پژوهی جدید است.

ناکارآمدی روش‌های سنتی پژوهش در پاسخ‌گویی به نیاز معلمان، جهت بهبود آموزش و تدریس موجب شده تا محققان به دنبال راه چاره‌ای باشند که چگونه معلمان می‌توانند در مواجهه با مشکلات دانش‌آموزان و در موقعیت واقعی کلاس درس دست به اقدام بزنند و روند آموزشی و تربیتی کلاس را بهبود بخشند (استیگلر و هیبرت[1]، ۱۳۸۳).

در حال حاضر، برنامهٔ آموزشی به لحاظ محتوا علمی است. مهارت‌های پایه‌ای که مورد تأکید قرار گرفته‌اند مهارت‌های زبان و ریاضیات می‌باشند. هرچند سادگی یک سیستم

[1] Stigler and Hibert

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

آموزشی که تنها بر زبان و ریاضیات تأکید دارد جالب توجه است، به‌طوری که چنین سیستم آموز شی ممکن ا ست دانش‌آموزان را بی شتر برای گذ شته آماده کند تا برای آینده. به همین علت، به‌عنوان یکی از عملکردهای کلیدی، می‌توان پیشنهاد کرد که مفهوم هنرهای پایه بسط داده شود.

به‌منظور اینکه دانش‌آموزان مهارت‌های پایه هنری را به د ست آورند، برنامهٔ در سی کلی باید طوری تنظیم شـود که چیزی بیش از یک فعالیت هنری را شـامل شـود. موضـوعات محوری می‌بایسـت تمامی مهارت‌های پایه را در بر بگیرد و در تمامی مدارس ایران آموزش داده شوند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

در برنامه‌های درسـی و یا فعالیت‌های اقدام پژوهی در زمینهٔ هنر، مواردی تحت عنوان «آموزش زیبایی شناختی» نیز باید گنجانده شود و حوزه‌های موسیقی، هنرهای تجسمی، آواز و نمایش و... را شـامل شـود. اسـتفاده از این واژه زیبایی شـناختی شـاید گیج‌کننده باشـد. زیبایی‌شناسی به‌عنوان یک شاخه از فلسفه اغلب برای مطالعات دانشگاهی می‌باشد و چیزی نی ست که معمولاً در مدارس ابتدایی و دبیر ستان آموزش داده شود؛ اما باید به این مو ضوع ا شاره کرد که زیبایی شناختی حوزه و سیع‌تری را شامل می شود که درک دانش‌آموزان را از جنبه‌های مختلف هنر بالا می‌برد (مهرمحمدی، ۱۳۸۲).

با طرح‌ریزی برنامهٔ جدید درس هنر در اسـتان‌های کشـور از طریق فعالیت‌های اقدام پژوهی، معلمان از زبان قابل د سترس ا ستفاده می‌کنند، فعالیت‌هایی نمونه را مطابق با فل سفه ارائه می‌نمایند که به متخصصان این اجازه را می‌دهد تا مفاهیم را به‌صورت عمقی‌تر بررسی کنند (بازرگان، ۱۳۷۳).

باید گفت که در ا ستان البرز، آموزش هنرهای ب صری محدود شده ا ست و از میان هنرهای مختلف، فقط نقاشی به دانش‌آموزان، آموزش داده می‌شود و به نظر می‌رسد، جای هنرهایی مانند موسیقی، تئاتر، خوشنویسی، سفال‌گری و ... در میان برنامه‌های درسـی مدارس ابتدایی خالی می‌باشـد. بسـیاری از معلمان کلاس درس ابتدایی در تلفیق هنر ضـعیف هسـتند و با این برنامه آموزشی جدید مشکل دارند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مطالعهٔ حاضر به‌طور مشخص اهمیت آموزش هنر برای تمامی دانش‌آموزان به‌خصوص دانش‌آموزان ابتدایی را مورد تأکید قرار می‌دهد، اما این وضعیت تضمینی نخواهد بود که آموزش هنر در مدارس ابتدایی اتفاق خواهد افتاد. به زبان ساده‌تر، به دلیل اینکه وزارت آموزش‌وپرورش معلمان را موظف می‌کند که هنر را در یک جدول زمانی ارائه کنند این تضمین وجود ندارد که این حوزه درسی به‌اندازه‌ای که در برنامهٔ زمان‌بندی پیشنهاد شده مشخص شده است، آموزش داده شود.

به لحاظ تاریخی، نقاشی و خطاطی موضوعات درسی الزامی برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بوده‌اند. تجربه و تحقیق نشان می‌دهد که این موضوعات و به‌خصوص هنرهای موسیقی و تجسمی عمدتاً توسط معلمان نادیده گرفته شده‌اند. علت این غفلت متفاوت است اما مشخص است که راه‌حل‌های آن باید مورد بررسی قرار گیرند.

انجام این پژوهش به دلیل خلأهای برنامهٔ هنری مدارس به‌خصوص در مقطع ابتدایی، ضروری به نظر می‌رسد. این مطالعه بینش معلمان و همچنین مواجه آن‌ها در کلاس درس در مقابل برنامه‌های درسی آموزش هنر تلفیقی را به چالش می‌کشد و داده‌های به‌دست‌آمده از آن می‌تواند در تدوین برنامه های هنری تلفیقی جدید به کار برده شود. هدف از این پژوهش ایجاد برنامه های هنری جدید و بررسی چالش‌های معلمان یک مدرسهٔ ابتدایی استان البرز، در کلاس درس ابتدایی در هنگام پیاده‌سازی برنامه های مرتبط با تلفیق هنر روبرو هستند، می‌باشد.

روش پژوهش

مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی و تجزیه تحلیل اسنادی بر اساس اقدام پژوهی مشارکتی، روش تحقیق در این پژوهش ا ست. تمامی شرکت کنندگان حضوری داوطلبانه دا شتند و تنها محقق به اطلاعات دسترسی داشت. کسب اجازه برای انجام این مطالعه از مدیر مدرسه ابتدایی صورت گرفت. پژوهش عمل‌نگر جمعی نیازمند آن است که شرکت کنندگان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

به صورت منظم در جلسات بحث شرکت کنند و برنامه‌های اقدام‌شان را مورد تفکر و بازبینی قرار دهند.

مکان انجام پژوهش مدرسهٔ ابتدایی شهید پرورش ۲، در حومه استان البرز بود. این مدرسه یک مرکز دو شیفت است که جمعیت دانش‌آموزان آن شامل ۶۰۰ نفر بود. بیشتر کارکنان مدرسه جوان بودند و اکثر معلمان آن بیش از بیست سال تجربه کاری داشتند. پنج معلم برای اجرای آموزش و تلفیق هنر در کلاس‌های درسشان ابراز تمایل کردن و در این مطالعه شرکت کردند.

معلمان در جلسات گروهی مشترک حضور یافتند و از آن‌ها خواسته شد که با استفاده از وسایل مختلف (مانند دفترچه یادداشت، ضبط صدا یا تصویربرداری و ...) بازتاب خود و دانش‌آموزان را در مورد آموزش تلفیق هنر ثبت کنند.

برنامهٔ اولیه، ملاقات به‌صورت ماهانه جهت بحث کردن موفقیت‌ها و شکست‌ها و نیز به اشتراک گذاشتن بینش‌ها و دریافت‌های به‌دست‌آمده از پژوهش بود. تاریخ‌های جلسات از قبل تعیین شد تا شرکت کنندگان بتوانند برنامه‌های خود را هماهنگ کنند. از شرکت کنندگان خواسته شد تا به رشته‌های خاصی که مایل به تدریس آن‌ها هستند به‌طور دقیق‌تر نگاهی بیندازند و برنامه اقدامی را آماده کنند؛ اما مجدداً دو هفته بعدتر به‌منظور بحث کردن در خصوص برنامه‌های اقدام ملاقات شد. در طول جلسات به شرکت کنندگان یک پرسشنامه کوتاه به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات شخصی و جمع‌آوری تفکرات بازتابی در مورد فرآیند مطالعه اقدام پژوهی و تدریس درس هنر داده شد.

در این تحقیق از نمرات پس آزمون (بعد از تلفیق هنر) به‌عنوان متغیر وابسته، نمرات پیش آزمون (قبل از تلفیق هنر) به‌عنوان متغیر تصادفی کمکی و گروه به‌عنوان متغیر مستقل استفاده شد.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

جدول شمارهٔ ۱- ویژگی‌های جلسات جمعی

تاریخ جلسه	زمان جلسه	تعداد شرکت کنندگان	فعالیت‌های انجام شده
۹۵/۱۱/۲۰	۷۰ دقیقه	پنج + اجرا کننده تحقیق	- شرح تحقیق عمل‌نگر جمعی - آغاز کار تلفیق هنر برای دانش‌آموزان
۹۵/۱۲/۱۸	۸۰ دقیقه	پنج + اجرا کننده تحقیق	- سازمان‌دهی برنامه‌های درسی آموزش هنر و تلفیق آن - توزیع اسناد و بررسی اجمالی برخی مطالب
۹۶/۱/۲۰	۶۰ دقیقه	چهار + اجرا کننده تحقیق	- بحث در مورد موفقیت‌ها و شکست ها در زمینهٔ آموزش هنر و تلفیق آن - پر کردن پرسشنامه
۹۶/۲/۲۰	۶۵ دقیقه	چهار + اجرا کننده تحقیق	- بحث در مورد راه کارهای جدید در مورد تلفیق هنر - پر کردن پرسشنامه
۹۶/۳/۲۰	۶۵ دقیقه	پنج + اجرا کننده تحقیق	- بحث و جمع‌بندی نتایج حاصل از جلسات - پر کردن پرسشنامه

در نهایت، به‌طور خصوصی با هر یک از شرکت کنندگان ملاقات شد تا این موضوع را روشن شود که «آیا انجام این پروژه تأثیری بر برنامه‌ریزی آن‌ها برای سال پیش رو دارد؟» این مصاحبه‌های کوتاه تجزیه‌وتحلیل شد.

در طول جلسات جمعی تأثیرات بیرونی که ممکن است جو جلسات را تحت تأثیر قرار دهد، از قبیل آب و هوا، زمان روز، وقایع خاص روی داده در طول روز یادداشت شد. دو نقش برای محقق طرح‌ریزی شد، اول، یک محقق خارجی که مسئول جمع‌آوری داده‌های

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مربوط به انجام آموزش هنر شد و دوم یک متخصص هنری/همکار که موفقیت و شکست را در کلاس درس ثبت می‌کرد. به دلیل نقش « شرکت کننده–ناظر» ثبت دا ستان گونه همراه با بررسی مطالب پیاده‌سازی شده، همراه با درک عمیق‌تری نسبت به کلمات گفته شده فراهم شد.

تلفیق هنر

ساختن جنبه‌های منحصر به فرد و ارز شمند هر فعالیت هنری و درهم آمیختن آن‌ها در حیطهٔ تلفیق هنر قرار می‌گیرد که در این پژوهش هنر های تجسمی مانند طراحی (نقا شی)، کارد ستی، خطاطی (خو شنویسی)، مو سیقی، آواز و نمایش به‌منظور یادگیری بهتر هنر با همدیگر تلفیق شدند.

طراحی (نقاشی): کاربرد ترسیم و طراحی در آموزش برای دانش‌آموزان به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد که طی آن یک ایده، اندیشه یا تصویر ذهنی به صورت تصویر روی صفحه عینیت یابد. فرآیند مجسم کردن، ترسیم کردن، نقاشی کردن و ساختن، به دانش‌آموزان، آموخته شد.

خو شنویسی (خطاطی): در برنامهٔ تلفیق هنر، به‌منظور نشان دادن ا صالت خط و زبان فار سی با دیگر مفاهیم هنری از جمله طراحی تلفیق شد. هنر خو شنویسی به‌ویژه خط نستعلیق با قلم نی و خودکار اساس خط تحریری نستعلیق برای دانش‌آموزان قرار گرفت. هم اکنون متون برنامهٔ درسی «بخوانیم و بنویسیم» دورهٔ ابتدایی با این خط نگا شته شده ا ست، در حالی که بی شترِ آموزگاران، از مهارت‌های لازم در این زمینه برخوردار نیستند. ضرب‌المثل‌ها با حروف نستعلیق نو شته و نقا شی شده ا ست که در نتیجه، نقش‌های بسیار متنوع، نو و زیبایی را به‌وجود آمده است (نقاشی خط).

کاردستی: برنامهٔ هنری جدید بر کار با کاغذ و مقوا، مواد طبیعی، دور ریختنی‌ها، حجم سازی با گِل رُس و ... برای دانش‌آموزان طرح‌ریزی شد.

نمایش: برای به صحنه رفتن یک نمایش، زنجیره‌ای به هم پیوسته از هنرهای گوناگون طرح‌ریزی شد تا اثری در معرض دید و قضاوت تماشاگران قرار گیرد. نمایش بر سه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

رکن اساسی برنامه‌ریزی شد؛ بازیگر، صحنه و تماشاگران، عوامل و ارکان دیگری نیز مانند نویسنده، کارگردان یا طراح (معلم) صحنه نیز در آن دخیل هستند.

مو سیقی: در قسمت موسیقی، مرور زندگینامهٔ مشاهیر موسیقی ایران و جهان، انواع مختلف موسیقی و اجرای موسیقی خلاقانه به کمک دانش‌آموزان با وسایل مختلف برای دانش‌آموزان طرح‌ریزی شد.

نتایج پژوهش

سه موضوع اصلی از داده‌های این مطالعه حاصل شد. اول اینکه، «ارزش دوره‌های آموزشی» تقریباً در تمامی دیدارها مشخص بود. دومین موضوع اینکه، «معلم پرمشغله» شدیداً با مورد اول گره خورده بود اما این امر چندان مشهود نبود. موضوع سوم اینکه، «ریسک پیاده‌سازی» بیش از این ناخودآگاه بود. این موضـــوعات به‌طور تنگاتنگ با هم مرتبط بودند. معلمان از فقدان منابع جهت ایجاد هنرهای مختلف سرخورده بودند، اما زمان کافی برای یافتن منابع و تلفیق آن را نداشتند. آن‌ها در مورد حضور در کارگاه‌های بی کیفیت در زمینهٔ هنر توسط اداره ناراحت بودند زیرا احساس می‌کردند که زمانشان تلف شده است.

ارزش دوره‌های آموزشی

با انجام تحقیق، ارزش دوره‌های آموزشی بسیار برجسته شد، اغلب نیمی از زمان جلسه به بحث در مورد کیفیت دوره‌های آموزشی، صرف شد. به دلیل عدم ارزشمند بودن محتوای دوره‌های آموزشی، سرخوردگی معلمان بیشتر مشهود شد. معلمان مطالب ارائه شده توسط فرد مدرس را به‌طور کامل متوجه نشـــده بودند. کل دیدگاه دوره‌های آموزشـــی تقریباً به روخوانی از کتاب خلاصه شد. به نظر می‌رسد مدرسان این گونه کلاس‌ها مطالب عملی را باید یاد بدهند که معلمان با خود به کلاس درس ببرند و بتوانند از آن استفاده کنند.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه در چند کارگاه هنری شرکت کردند. کارگاه‌هایی ارزشمند تلقی شد که ایده‌های عملی ارائه کردند و از این ایده‌ها در مدرسه استفاده شد. این امر به موضوع «معلم پرمشغله» مربوط می‌شود چرا که زمان معلم‌ها محدود است و اضافه کردن مسئولیت برای جمع‌آوری منابع برای موضوع برنامهٔ درسی فشار مضاعفی بر معلم‌ها وارد

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

کرد. به نظر می‌رسد که معلمانی که در کارگاه‌های مفید دورهٔ آموزشی شرکت کردند، از کتاب‌ها و منابع مرتبط با موضوع این کارگاه‌ها که قبلاً آن را مطالعه کرده‌اند استفاده کردند و همچنین توانستند آموخته‌های خود را از دوره‌های آموزشی به دیگر معلمان منتقل کنند، بدین ترتیب ارزش دورهٔ آموزشی به خوبی مشخص و قابل ارزیابی شد.

مشخص شد اغلب معلم‌ها الزامات تعیین شده از سوی برنامهٔ درسی را برآورده می‌کنند یا توانایی لازم برای برآورده کردن این الزامات را دارند اما نیاز دارند که نسبت به این موضوع اطمینان مجدد به دست آورند. همچنین، این رویکرد نسبت به دوره‌های آموزشی به معلمان اجازه داد که به شیوه‌هایی که در گذشته استفاده کرده‌اند فکر کنند و این شیوه‌ها را در پرتو دانسته‌های جدیدشان مورد بررسی قرار دهند.

دوره‌های آموزشی، بیش از اسناد برنامهٔ درسی، فعالیت‌هایی که در کلاس درس انجام می‌شد را مشخص کردند. شرکت کنندگان ایده‌هایی عملی را از ارائه دهندگان معتبر کارگاه‌ها دریافت کردند و زمانی که این جلسات انتظارات آن‌ها را برآورده نمی‌کردند سرخورده شدند. جلسات دوره‌های آموزشی که با توانایی معلمان یا سطح راحتی آن‌ها همخوانی نداشتند به‌عنوان عوامل بازدارندهٔ اجرا محسوب شدند.

همچنین نتیجه گرفته شد که یک سری دوره‌های آموزشی برای معلم‌ها در دسترس باشد. فقدان انسجام در دوره‌های آموزشی و منابع عملی با پس رفت معلم‌ها در ارتباط بود. نیاز زیادی به دوره‌های آموزشی ارزشمند و منابع برای معلمان ابتدایی وجود داشت. فقدان دانش در خصوص تلفیق هنر در مدرسه مشخص شد و معلم‌ها به کمک نیاز داشتند تا این کمبود را جبران کنند.

معلمان اظهار داشتند که مشکل آن است که اگر پیشینه‌ای در یکی از حوزه‌های هنری داشته باشند، آنگاه به نوعی، احساس راحتی می‌کنند اما اگر پیشینه‌ای هنری نداشته باشد، کار آموزش هنر و تلفیق آن به سختی پیش می‌رود. در واقع زمانی معلم احساس راحتی در آموزش می‌کند که از آموزش به پیشرفت برسد.

مشخص شد که چیزی بیش از دوره‌های آموزشی فرعی و منابع ناکافی باید مورد حمایت برنامهٔ درسی هنری و تلفیق آن قرار گیرد. به دلیل نداشتن دانش عمومی کافی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

معلمان در زمینهٔ هنر آن‌ها به دوره‌های آموزشی جامعی نیاز داشتند که با فعالیت‌های پایه در سطح راحتی معلم شروع شد. شرکت کنندگان زمان کافی را نداشتند تا فعالیت‌های خودشان را مورد تحقیق قرار دهند. در این تحقیق مشخص شد که معلم‌ها افراد پر مشغله‌ای هستند و زمان آن‌ها اغلب توسط دیگران کنترل می‌شود. گرفتن زمان معلم‌ها برای دوره‌های آموزشی در زمینهٔ هنر باید خیلی با دقت و احتیاط صورت گیرد.

ریسک پیاده‌سازی

برنامهٔ درسی جدید تلفیق هنر فلسفه‌های در حال تغییر در مورد ارزش هنر در آموزش‌وپرورش و اینکه هنر چطور باید آموزش داده شود را انعکاس می‌دهد. تمایل معلم‌ها برای افزایش ریسک در طول سال تحصیلی جالب بود. در ابتدا، آن‌ها با پیوستن به گروه پژوهش و موافقت با اجرای برنامهٔ درسی ریسک کردند. اولین جلسه آموزش که آن‌ها در آن شرکت کردند هنرهای تجسمی و چگونگی تلفیق آن با سایر هنرها به‌صورت خلاقانه بود که خود آن می‌تواند ریسک‌پذیر باشد. ارائهٔ کلاس‌های هنری با زمینهٔ تلفیقی ممکن است با ترکیبی از محتوای درس و ارائه ضعیف استرس‌زا باشد.

معلمانی که در مورد تلفیق هنر نسبت به دیگر شرکت کنندگان ریسک بیشتری کردند، تجربه قبلی قابل توجهی در خصوص هنر داشتند و می‌توان نتیجه گرفت که معلمانی که آموزش تلفیق هنر را اجرا نکردند یا ریسک نمی‌کردند، به‌واسطهٔ تجربه محدودتری است که از هنر داشتند و شاید اضطراب بیشتری را در مورد تلفیق هنر تجربه می‌کردند. در واقع فقدان تجربه به‌عنوان یک عامل بازدارنده مشخص شد.

با قبول ریسک پیاده‌سازی آموزش تلفیق هنر، اشتیاق و شادی وصف نشدنی در دانش‌آموزان دیده شد و البته آن‌ها چنین برنامه‌ای را دوست داشتند و خود پیش قدم شدند که در این کار، همکاری داشته باشند. در مراحل بعدی معلمان به‌عنوان میزبان عمل کردند و زمانی که معلمان به دانش‌آموزان اجازه دادند که نقش بر عهده گیرند، آن‌ها تفکر کردند و با هم برای بهتر شدن کار مشارکت نمودند و اشتیاق فراوانی در هنگام کلاس و اجرای هنرها با هم داشتند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

تأکید بر فرآیند یکی از محورهای آموزش در برنامهٔ درسی جدید آموزش هنر بود و یک تفاوت بنیادی با برنامه‌های در سی آموزش هنر در گذ شته دا شت. با تأکید بر فرآیند می‌توان یک ایده خلق کرد و بچه‌های خلاق و در حال انجام کار، مشتاق بودند.

ریسک کردن بخش ضروری این پروژه بود و در حالی که این کار پرهیجان بود، حمایت صـــورت گرفته از طرف گروه کمک کرد تا با این اضـــطراب مقابله کنیم. آن‌هایی که تجربهٔ قبلی در زمینهٔ هنر داشـــتند قادر بودند از تجربیاتشـــان بهره ببرند و هنرها را در یک مقیاس و سیع‌تر با هم تلفیق کنند. آن‌هایی که تجربهٔ کمتری در خ صوص هنر دا شتند، قادر بودند از دیگران چیز یاد بگیرند و حمایت و دلگرمی کسب کنند.

به‌منظور تسهیل کردن فرآیند اجرا، معلم‌ها به جلسات آموزشی عملی دوره‌های آموزشی هنر و منابع به خوبی سازمان‌دهی شده نیاز دا شتند. آن‌ها نیاز دا شتند که ت شویق شوند تا دعوت هایی که بر نا مهٔ ز مانی آن ها را بیش از پیش پر کرد را رد کنند. همچنین، آن ها به حمایت یک گروه نیاز دا شتند تا ریسک کردن را ت شویق کند. در حالی که این ساده به نظر می‌ر سد، اجرایی کردن این ایده‌ها در مدارس ابتدایی نسبتاً د شوار ا ست. دوره‌های آموز شی هنر و مطالبات جدول زمانی اغلب فراتر از کنترل معلم‌ها بودند. در نهایت معلم‌ها توانســـتند گروه‌های پژوهش عمل‌نگر خودشان را سازمان‌دهی کنند تا پیشرفت حرفه‌ای خود را شکل دهند، اما یک فرد، نه ضرورتاً یک محقق بیرونی، باید فرآیند را شروع کند.

خود اندیشی از طریق پژوهش عمل‌نگر

بحث‌های انتقادی که پژوهش‌های عمل‌محور را مشـخص کرد باعث شـد که معلم‌ها چیزی بیش از شیوه‌های هنری استفاده شده در کلاس درس را تجزیه‌وتحلیل کنند. هدف آن بود که افکار زیر بنایی یا ذهنیت‌های قبلی هنری را آشـــکار شـــود و آن‌ها را به‌صـــورت خودآگاه درآورد تا به معلم–محقق این اجازه را بدهد که متوجه باشد که این افکار شیوهٔ عملکرد او را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

همراه با تجزیه‌وتحلیل نوشـته‌های جلسـات جمعی به‌منظور آشـکار کردن موضـوعات، تجزیه‌وتحلیل‌هایی نیز به‌منظور رو شن کردن این مو ضوع انجام شد که آیا شرکت کنندگان در مورد شیوه‌های خود فکر کردند و به باورهای ضمنی خود پی بردند؟

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

از مهم‌ترین امور در مورد انجام این کار (تلفیق هنر) آن بود که کودکان یک مالکیت واقعی را احساس کردند. به‌طوری که احساس کردند کار انجام شده حاصل کار خود آن‌ها بود و معلم هیچ کاری انجام نداده است به جز تسهیل کردن کار آن‌ها در خصوص محصول نهایی. فعالیت‌های خلاقانه/ سودبخش در برنامهٔ تلفیق هنر، نقشی محوری داشت، با تأکید شدیدی که بر اجازه دادن به دانش‌آموزان برای ایجاد محصولات خودشان وجود داشت. معلمان در مواردی ریسک کردند و از بخشی از کنترل خود چشم پوشی کردند و به دانش‌آموزان اجازهٔ مالکیت بر آفرینش و خلاقیتشان را دادند. این تغییرات موجب هدایت کردن فعالیت‌های خلاقانهٔ آتی دانش‌آموزان شد.

معلمان این برنامهٔ درسی را به‌صورت «تکه تکه» و «قطعه‌هایی» تجربه کردند و نه به‌صورت واحدهایی به هم متصل. شاید معلمانی که تجربهٔ بیشتری در خصوص تلفیق هنر داشتند، درس‌ها و واحدهای درسی را بر روی یک پیوستار توسعه دادند. معلمانی که ارتباط بهتری با دانش‌آموزان خود ایجاد کرده بودند، در مورد آموزش و تلفیق هنر نتیجهٔ بهتری به دست آوردند. فرآیند پژوهش عمل‌نگر جمعی این ارتباط و بهبود آن را فراهم کرد. گزارش معلمان در مورد اقداماتشان، نیاز برای «یادگرفتن با انجام دادن» در مقابل «یادگرفتن با مشاهده کردن» را نشان داد.

به ندرت این فرصت حاصل شد که یک درس دو بار در مدرسه ابتدایی درس داده شود. معلم‌ها قادر بودند به بازخوردها فکر کنند و درس را بهبود بخشند. این نوع «بازخورد در حین اجرا» خیلی خوب جواب داد.

مشخص شد که معلم‌ها به بیش از یک یا دو سال زمان نیاز داشتند تا اطمینان و اعتماد به نفس لازم برای درس دادن مطالب جدید هنری و تلفیق آن را به دست آورند. می‌توان استدلال کرد که ساختار دوره‌های آموزشی استاندارد، به دلیل تعامل متقابل منحصر به فرد بین دانش‌آموز و معلم، برای آموزش هنر مناسب نیست. یک تجربهٔ ارزشمند دیگر تماشای یک معلم در حین کار با دانش‌آموزانش بود و مشخص شد که موقعیت‌هایی خاص توسط

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

معلم چطور مدیریت می‌شـــود و اینکه دانش‌آموزان چطور واکنش نشـــان دادند. این کار توانست برخی از اضطراب‌ها در مورد آموزش موضوعات جدید را تسهیل کند.

داده‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت کنندگان عمیقاً به شیوه های کاری شان فکر نکردند تا ارتباط بین باورها و شیوهٔ کارشان را کشف کنند. در عوض، تفکرات آن‌ها بیشتر عملی بود: اینکه معلم‌ها چطور می‌توانند جلسهٔ بعدی را بهبود بخشند، چطور می‌توانند از منابع اسـتفادهٔ بهتری داشـته باشـند. اگر این مطالعه برای یک دورهٔ زمانی طولانی‌تر ادامه پیدا کند، با پیش رفتن در مراحل پر اضـــطراب آموزش هنر، معلم‌ها نگرانی کمتری در مورد محتوای درس هنر و تلفیق آن را دارند و زمان بیشـــتری برای پی بردن به اینکه چرا آن‌ها به این شکل تدریس می‌کنند داشتند.

تلفیق هنر

نتایج تلفیق هنر در این پژوهش بر اساس مشاهدهٔ بازخورد معلمان و دانش‌آموزان انجام گرفت. اغلب کارشناسان و صاحب‌نظران زمان مناسب برای آموزش هنر را با توجه به مغایر بودن زمان تعیین شـده (۱۰۰ دقیقه پیوسـته) با زمان مصـوب در آیین‌نامه (۴۵ دقیقه)، مورد تردید قرار داده‌اند. هم اکنون در مدارس عملاً برخی مواقع زمان مصوب ۴۵ دقیقه رعایت نمی‌شود و درس هنر به‌صورت دو زمان ۴۵ دقیقه‌ای پیوسته در یک روز برگزار می‌شود، آن هم به دلیل مصادف شدن آن روز با یک روز تعطیلی آموزگار در هفته و حضور نداشتن وی در مدرسه، به فردی دیگر که مسئولیت آموزشی او روشن نیست، سپرده می‌شود. در عین حال شاید بتوان با توجه به رویکرد برنامه‌ریزی مبتنی بر مدرسـه، زمان صـد دقیقه را برای آموزش هنر در نظر گرفت. به این ترتیب، می‌توان زمان صـد دقیقهٔ پیوسـته را به دو زمان ۴۵ دقیقه ناپیوسـته تبدیل کرد که این تغییر ممکن است بر غنای آموزش هنر بیفزاید.

معلمان می‌توانند هر چیزی را که انجام می‌دهند در قالب هنر قرار دهند که «وانمود کنند» در واقع نمایش انجام دهند. حال فقط برای تلفیق کافی است که در خصوص تمامی چیزهای کوچکی که انجام شد و خیلی تصادفی بود، طراحی برنامه‌ریزی شود یا به ذهن سپرده شود تا در کلاس به نمایش در آورده شود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

دانش‌آموزان در خلال کار روی پروژه‌های خود (تلفیق هنرهای مختلف) به تدریج موارد زیر را به کار گرفتند:

۱- روش‌ها و تکنیک‌های متفاوت مبتنی بر مهارت‌ها و اصـــول پایه مربوط به تولید هنری و تلفیق هنرهای مختلف (دانش تولیدی).

۲- مطالعهٔ آثار هنری سنتی و نوین در سایهٔ کار هنری خود دانش‌آموزان (دانش ادراکی).

۳- هنرهای گوناگونی که منجر به چند راه حل یا ایده از پیش تعیین شده می‌شود (دانش رویه‌ای).

۴- دانش‌آموزان در برخی از ابعاد هوش چندگانه، قابلیت و توانمندی بهتری از خود نشان می‌دهند (دانش شهودی).

۵- ترکیب و تلفیق هنرها با محوریت تفکر در فرآیند تصور و تصویر (ذهنی و عینی) است که در این شرایط دانش‌آموزان موفق به خلق اثر هنری و ترکیب آن می‌شوند (دیدگاه ساختن گرایی).

۶- تلفیق هنری کـه در این تحقیق صـــورت گرفـت، بر غنـای آموزش هنر دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی می‌افزاید و هنر های مختلف را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند.

۷- ارزیابی اثر هنری خویش بر مبنای ملاک‌هایی که بخشـــی از آن می‌تواند مربوط به حوزه‌های علمی هنر (دیسیپلین) باشد (دانش تأملی).

چارچوب راهنما و راهنمای تدریس هنر

چارچوب برنامهٔ درسی هنر، محدودهای شامل پایه‌هایی است که از مطالعهٔ مبانی نظری و تجربی که بخشی از آن ارائه شد، به‌دست‌آمده است. این چارچوب نشان دهندهٔ مبانی نظری راهنمای برنامهٔ درسی هنر، جهت‌گیری‌های کلی و منبع هدایت طراحی، تدوین و اجرای برنامهٔ درسی هنر و نحوهٔ تلفیق آن است که به‌منظور آموزش یک واحد درسی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

هنر در یک جلسه صد دقیقه‌ای برای کلاس‌های ابتدایی تهیه شده است که اجزای آن عبارت‌اند از:

نام مادهٔ درسی (شکل اصلی درس: هنر)، زمینهٔ درس (هنرهای مختلف)، مفاهیم درس، هدف درس، زمان و مکان تدریس، زمینه‌سازی و ایجاد انگیزه یادگیری، فعالیت‌های یادگیری (هدف، محتوا، مواد در دسترس، فعالیت یادگیری)، تعیین تکلیف و ارزشیابی.

الگوی تدریس و طراحی‌های آموزشی در راهنمای معلم که در آن روش یادگیری دانش‌آموزان در درس هنر، نشان داده شده بر پایه راهنمای برنامهٔ درسی هنر با رویکرد مورد نظر پژوهش (تلفیق هنر)، تهیه شد. در این بخش به نمونه‌ای از درس طراحی شده بر اساس رویکرد تولید هنری و تلفیق هنرهای مختلف در دورهٔ ابتدایی اشاره می‌شود:

جدول شمارهٔ ۲- نمونه‌ای از درس طراحی شده بر اساس رویکرد تولید هنر و تلفیق هنرهای مختلف در دورهٔ ابتدایی (منبع: نگارنده)

نام مادهٔ درسی	هنر (طراحی/نقاشی، خوشنویسی، هنرهای دستی، نمایش و موسیقی)
زمینهٔ درس	تلفیق هنرهای مختلف
مفاهیم آموزشی و مضامین وابسته	هنر و نحوهٔ به کارگیری جنبه‌های مختلف آن
جلسات	**جلسهٔ اول:** مهارت شروع تدریس هنر برای کار با شکل‌های مختلف هنری و همچنین طراحی/ نقاشی و خوشنویسی **جلسهٔ دوم:** هنرهای دستی و نقاشی (طراحی) **جلسهٔ سوم:** نمایش و موسیقی **جلسهٔ چهارم:** نمایش و طراحی **جلسهٔ پنجم:** هنرهای دستی، نمایش و طراحی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

اهداف درس هنر: تلفیق شکل و زمینه (پیوست ۲)	۱- طراحی و نقاشی روی سنگ‌ها و تبدیل آن‌ها به شخصیت های نمایش. ۲- انجام دادن هنرهای دستی با تکه‌هایی از کنف (تهیه قالیچه و جامداد)، چوب بستنی (خانه سازی)، رول دستمال (تهیه گُل تزئینی) و ... ۳- استفاده از کلمات به شیوهٔ نستعلیق، حک کردن این کلمات بر روی گِل سفال‌گری و حجم دادن به کلمات (تلفیق هنرهای دستی و خوشنویسی). ۴- استفاده از گِل سفال‌گری و تهیهٔ ظروف و نقاشی بر روی آن‌ها و ... (تلفیق هنرهای دستی با نقاشی) ۵- تهیه و اجرای یک متن نمایشی دربارهٔ ضرب‌المثل‌ها و نقاشی آن‌ها (نمایش). ۶- انتخاب یک موسیقی برای شکل‌های مختلف هنری پیش گفته و همچنین ساختن ساز با استفاده از وسایل مختلف مانند لیوان‌های شیشه‌ای و فلزات دور ریختنی
مکان تدریس	کلاس درس هنر
زمان تدریس	۱۰۰ دقیقه (مهارت شروع تدریس: ۲۰ دقیقه؛ فعالیت‌های یادگیری: ۵۰ دقیقه؛ تعیین تکلیف و پرسش و پاسخ: ۱۰ دقیقه؛ ارزشیابی: ۲۰ دقیقه)
مخاطبان	دانش‌آموزان سال چهارم، پنجم و ششم ابتدایی پسرانه
شکل فعالیت	گروهی (دانش‌آموزان به گروه‌های پنج نفری از شکل‌های گوناگون هنری تقسیم شدند و به فعالیت پرداختند).

با توجه به فرضیات مطرح شده، روش آماری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره ا ست. در این مرحله بر ا ساس پر سش‌نامه‌های داده شده به‌عنوان متغیر وابسته، هنرهای مختلف به‌عنوان متغیر تصادفی و دانش‌آموزان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

به‌عنوان متغیر مستقل وارد تحلیل‌شده‌اند و برای مقایسهٔ میزان تأثیر متغیرهای مستقل و تصادفی، از ضریب ویلکز لامبدا برای مقایسه چندگانه استفاده شد. پردازش و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss صورت گرفت.

با توجه به جدول شمارهٔ ۳، مقدار ۰/۷۸ درصد نشان دهندهٔ اندازهٔ اثر تلفیق هنر در یادگیری هنر می‌باشد که معنادار است ($P < ۰/۰۰۱$). بدین ترتیب می‌توان این گونه نتیجه گیری کرد که تلفیق هنر بر میزان یادگیری و خلاقیت و اشتیاق دانش‌آموزان اثربخش بوده است؛ یعنی ۷۸ درصد از متغیرها (موفقیت) را به تلفیق هنر نسبت داد.

جدول شمارهٔ ۳- آزمون اثر چند متغیره ویلکز لامبدای (منبع: نگارنده)

اثر	ارزش	F	درجه آزادی	خطای درجه آزادی	سطح معناداری	Eta	توان آزمون
کلاس‌ها	۰/۲۶	۴۸/۹۸	۲	۳۵	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱/۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه پژوهشی عمل‌نگر گمان‌های قبلی در مورد اجرای برنامهٔ درسی جدید هنری را تأیید کرد. معلم‌ها افراد پر مشغله‌ای هستند و تقاضا و خواسته‌های زیادی در خصوص زمان آن‌ها وجود دارد. دوره‌های آموزشی و منابع آماده برای استفاده تا حد زیادی به معلم‌ها در برنامه‌ریزی و محدود کردن زمان صرف شده برای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی و منابع کمک کرد، خصوصاً در آموزش هنر، حوزه‌ای که بیشتر آن‌ها چیز اندکی در مورد آن می‌دانند. اجرای برنامه‌های در سی جدید آموزش هنر معلم‌ها را وادار به ریسک کردن کرد تا آموزش چیزهای جدیدی را امتحان کنند.

معلم‌ها به جلسات ارزشمند دوره‌های آموزشی نیاز دارند و مشخص شد که دوره‌های آموزشی با کیفیت ضروری هستند، اگر اجرای برنامهٔ درسی بخواهد با موفقیت همراه باشد. داده‌های به‌دست‌آمده برخی معیارهای یک جلسه ارزشمند دورهٔ آموزشی را نشان داد: فرد ارائه دهندهٔ جلسه باید یکی از معلم‌های همکار یا کسی باشد که واقعیت‌های کلاس درس

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

را درک کند؛ ایده‌های ارائه شده باید امتحان شوند و عملی باشند، تنها به منابعی نیاز داشته باشند که موجود و در دسترس است و جنبه نظری برنامهٔ درسی باید به حداقل رسانده شود.

باید به این نکته توجه داشت که اگر معلم‌ها در یک سری دوره‌های آموزشی شرکت کنند، می‌توانند از مرحلهٔ وابسته بودن به جزوه، به مرحلهٔ استقلال و ایجاد و استفاده از هنرهای خودشان برسند. معلم‌هایی که تجربهٔ شخصی محدودی در خصوص هنر داشتند، به نظر می‌رسید که به راهنمایی بیشتری از طریق دوره‌های آموزشی نیاز داشته باشند. جلسات جمعی به معلمانی که دانش و تجربهٔ بیشتری داشتند این اجازه را داد تا این دانش و تجربه را با دیگران به اشتراک بگذارند و شاید آن‌ها را تشویق کرده و قادر به پیش رفتن کنند.

برنامهٔ درسی جدید نیاز به منابع جدید دارد، این واقعیت که شرکت کنندگان در این مطالعه، برای گرفتن ایده به منابع درسی جدید روی نیاوردند تا اندازه‌ای نگران کننده است و اگر معلم‌ها منابع جدید هنری را نخوانند و درک نکنند، آموزش دادن هنر و تلفیق آن برای همهٔ دانش‌آموزان امکان‌پذیر نخواهد بود. شرکت کنندگان در این مطالعه مایل به اجرای برنامهٔ درسی جدید بودند و شاید زمانی که آن‌ها درک بهتری از آنچه که مورد انتظار است داشته باشند، همان‌طور که در دوره‌های آموزشی بیان شده است، آن‌ها به منابع هنری جدید روی بیاورند؛ همچنین، شاید زمانی که برنامهٔ درسی جدید آموزش هنر (و در آینده تلفیق هنر) برای مدارس منطقه اجباری شود، معلم‌ها به‌طور دقیق‌تری بر برنامهٔ درسی هنر و منابع آن تمرکز خواهند کرد.

به نظر می‌رسد که شرکت کنندگان، مانند بیشتر افراد در جامعهٔ ما، بر این باور هستند که هنر یک چیز حاشیه‌ای و تجملاتی است و می‌توان آن را از برنامهٔ درسی مدارس حذف کرد، بدون اینکه تأثیرات نامطلوبی به همراه داشته باشد و اقدامات آن‌ها شاید این باور را نشان می‌دهد. باورهای زیربنایی آن‌ها شیوهٔ عملکرد آن‌ها را هدایت می‌کرد بدون اینکه معلم‌ها متوجه این موضوع باشند.

شاید اگر معلم‌ها سواد و اطلاعات بیشتری در خصوص هنر داشتند، بیشتر این مطالب را می‌شد حذف کرد؛ با این وجود، به دلیل اینکه معلم‌ها عموماً احساس می‌کنند که شرایط

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

لازم را برای تدریس هنر ندارند، این سند تلاش می‌کند تا معلومات قبلی در اختیار آن‌ها قرار دهد. این یک وضـــعیت متناقض اســـت. این واقعیت که معلم‌ها به معلومات قبلی نیاز دارند این سند را قطورتر می‌کند، اما به دلیل اینکه این اسناد خیلی قطور هستند معلم‌ها ترس دارند که آن‌ها را باز کنند.

ا سترس ایجاد شده به وا سطهٔ تدریس هنر برای بسیاری از معلم‌ها زیاد ا ست، زیرا این معلم‌ها معلومات شـخصـی قبلی یا سـابقهٔ تدریس هنر ندارند. در میان معلم‌هایی که در این مطالعه شرکت کرده‌اند، آن‌هایی موفق‌تر بودند که معلوماتی قبلی یا سابقه تدریس در یک یا چند هنر داشتند.

در حالی که بر نا مهٔ درســـی جد ید آموزش هنر بیانگر یک ریســـک برای ادارهٔ آموزش‌وپرورش و برای معلم اجرا کننده آن می‌باشـــد، بســـیاری از معلم‌های تخصـــصـــی احســـاس می‌کنند برنامهٔ تلفیق هنر، معلمان را در معرض ریســـک قرار می‌دهد. این نگرانی وجود دارد که انسـجام موضـوعات از دسـت می‌رود، چرا که معلم‌ها هنر را با موضـوعات درسـی‌شـان و دیگر موضـوعات ترکیب می‌کنند. متخصـصـان نیاز به آموزش یک محتوای منحصـر به فرد برای هر یک از هنرها را به ما یادآور می‌شـوند تا بدین طریق از داده شـدن نقش پست‌تر و پایین دست‌تر به آن‌ها جلوگیری شود.

بسـیاری از معلم‌های متخصـص بر این باور هسـتند که تنها آن‌ها می‌توانند به درسـتی محتوای منحصـر به فرد هر رشـتهٔ هنری را تدریس کنند. کمتر کسـی مخالف این موضـوع است که متخصص‌ها کارشان را عالی انجام می‌دهند، اما داشتن معلم تخصصی در هر مدرسه برای همهٔ رشته‌های هنری چندان به واقعیت نزدیک نیست. برنامه‌های درسی جدیدی با این امید ایجاد شده‌اند که همهٔ معلم‌ها بتوانند محتوای مطالب را درک کنند و هنر را در د سترس همه قرار دهند. یک راه برای انجام این کار، از طریق ایجاد یک تعادل بین ایجاد کردن/انجام دادن و تو سعهٔ یک درک عمیق‌تر در مورد هنر و تلفیق آن می‌با شد. برخی باور دارند که این امر شغل معلم‌های تخ صصی را به مخاطره می‌اندازد، زیرا زمانی که هنر رمزگشایی شود و در د سترس همه قرار گیرد، دیگر نیازی به معلم‌های تخ ص صی نخواهیم دا شت تا به‌عنوان تفسیرکننده عمل کنند. شاید به جای حذف کردن معلم‌های تخصصی، نقش آن‌ها تغییر کند

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

و آن‌ها با یکدیگر، با معلم‌های دیگر کار کنند تا آموزش جامعی برای تمامی دانش‌آموزان ارائه شود.

برای بسیاری آموزش هنر و تلفیق آن دشوار است؛ زیرا تقاضای کلی برای منابع اندک بوده است و افراد کمی درس هنر را تدریس می‌کنند. با این وجود، منابع خوب به تنهایی کافی نیستند. این منابع باید با دوره‌های آموزشی که توسط افرادی ارائه می‌شوند که به‌صورت منسجم بدین منظور آماده شده‌اند، تلفیق شوند. زمانی که معلم‌ها احساس راحتی بیشتری در خصوص مطالب و اعتماد به نفس بیشتری در خصوص توانایی‌هایشان پیدا کردند، آن‌ها می‌توانند بیشتر ریسک کنند.

در حالی که تغییرات تحمیل شده در سیستم آموزشی یک واقعیت هستند، برای اینکه تغییرات به شکل موفقی روی دهند، معلم‌ها باید این فرصت را داشته باشند که آن موقعیت آموزشی را انتخاب کنند که به بهترین شکل با نیازهای آن‌ها همخوانی دارد. معمولاً، زمانی که تغییری پیشنهاد می‌شود، مدیران سیستم مدرسه، دوره‌های آموزشی را در مقیاس وسیع برای تمامی معلم‌ها ارائه می‌کنند. به دلیل اینکه هر معلم منحصر به فرد است، غیرممکن است بتوان یک برنامه واحد و به‌طور متمرکز اجرا شده و برنامه‌ریزی‌شده ایجاد کرد که بتواند نیازها و خواسته‌های تمامی افراد را برآورده کند.

در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در زمینهٔ تلفیق درس هنر با درس علوم تجربی جهت آموزش هنر انجام گرفت، ارتباط و به کارگیری حوزه‌های یادگیری هنر و علوم تجربی بررسی شد و نتایج امکان این تلفیق را تأیید کرد. به‌طوری که دانش‌آموزان با تشابه صدای برخی از حیوانات به سازها همچون صدای فیل و تشابه آن با ساز ترومپت، آشنا شدند (موسیقی)، با استفاده از اجزای گیاهان سبد بافت یا با استفاده از سنگ‌های رنگی، جواهرسازی کردند (هنرهای دستی) و نوع استخوان‌بندی جانوران می‌تواند تمثیل خوبی برای ایستایی ساختمان باشد (هنرمعماری) (شرفی، ۱۳۹۰).

نتایج پژوهش ذکریایی و همکاران، با عنوان بررسی اجرای برنامه‌های درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

چهارم ابتدایی حاکی از آن اســت که قصــه‌گویی و نمایش خلاق ســبب افزایش نمره خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی می‌شـــود (ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷).

تحقیق فلاحتی، نیز بیانگر تأثیر آموزش هنر بر رشد و پرورش توانایی‌های شناختی کودک نظیر خلاقیت، توانایی‌های زیبا شناختی و هشیاری و آگاهی بیشتر نسبت به محیط است. این تأثیرات با تلفیق هنر با دیگر دروس نیز می‌تواند مشاهده شود (فلاحتی، ۱۳۹۱).

گریرســون[1] نشــان داد که این قابلیت در هنر وجود دارد که به‌عنوان موتور محرکی برای هدایت مسیر یادگیری خلاقیت و نوآوری در مدارس به کار برده شود. به‌طوری که در تحقیق حاضر نیز نشان داده شد که تلفیق هنر بر میزان یادگیری و خلاقیت و اشتیاق دانش‌آموزان اثر بخش بوده است (گریرسون، ۲۰۱۱).

یافته‌های نیوشا و همکاران، بیانگر این است که آموزش بر اساس الگوی تدریس نوین و خلاقانه باعث افزایش خلاقیت و بهبود عملکرد تحصـیلی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی در درس هنر می‌شــود و یافته‌های موســوی و مقامی نیز نشــان می‌دهد که به کارگیری روش‌های جدید و متنوع در برنامهٔ درســی منجر به افزایش عملکرد تحصـیلی و نگرش دانش‌آموزان مقطع دبستان نسبت به خلاقیت شده است (نیوشا و همکاران، ۱۳۹۲).

اســتفانز و والکاپ[2]، در پژوهشــی با ارتباط بین برنامه‌های درســی از طریق هنر و آموزش هنر به‌عنوان برنامهٔ درسی تلفیقی نشان دادند که هنر پلی است که قسمت‌های محتوا را به شیوه‌ای منطقی و معنی‌دار، منسجم می‌سازد و بر عملکرد دانش‌آموزان و میزان یادگیری آن‌ها تأثیر مثبت دارد. آن‌ها اذعان داشتند که برنامه‌ریزی در سی تلفیقی مدلی را برای گسترش دادن روابط میان رشته‌ای در سراسر برنامه‌ریزی درسی از طریق هنر فراهم می‌آورد و به ایجاد محیط آموزشــی که بهبود نتایج یادگیری را در پی خواهد داشــت هم‌سویی دارد (استفانز و والکاپ، ۲۰۰۰).

[1] Grierson
[2] Stephens and Walkup

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

در مطالعهٔ کاظم پور، تأثیر تلفیق هنر در درس ریا ضی بر میزان یادگیری دانش‌آموزان مورد تأیید قرار گرفت. برنامهٔ تلفیقی به معلمان و برنامه‌ریزان درســی اجازه داد به آینده دانش‌آموزان توجه بیشتری داشته باشند و متناسب با نیازهای آیندهٔ آنان به تهیه و تدوین و تنظیم برنامه‌های درســی بپردازند. ایجاد برنامهٔ تلفیقی به دانش‌آموزان اجازه داد که نسبت به مسائل یادگیری خود دقیق باشند و کنترل امر یادگیری خود را به دست گیرند. همچنین نشان داده شد که به کارگیری هنر و فعالیت‌های هنری در برنامه در سی، نه تنها منجر به یادگیری عمیق‌تر می‌شــود بلکه در ایجاد خود پنداره مثبت در افراد و افزایش توانایی قدرت تخیل و خلاقیت در آن‌ها مؤثر است (کاظم پور، ۱۳۹۵).

فلند و همکاران[1]، یادگیری دانش‌آموزان را از طریق تلفیق هنر و اقدام پژوهی مورد بررسی قرار دادند. در مرحلهٔ اول بررسی‌ها حاکی از آن بود که هنر به تنهایی کمک می‌کند تا دانش و خلاقیت نمایان گردد. نتایج این بررســی نشــان داد که با تلفیق هنر میزان یادگیری دانش‌آموزان افزایش می‌یابد (فلند و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به اینکه تحقیقات زیادی تأثیر مثبت تلفیق هنر بر خلاقیت و یادگیری را به اثبات رســانده‌اند، اما در این میان تحقیقاتی نشــان داده‌اند که تلفیق هنر می‌تواند در مواردی تأثیر منفی بر یادگیری داشــته باشــد؛ البته این تحقیقات تأثیر منفی تلفیق را بر روی خود هنر و یادگیری آن به اثبات رسانده‌اند.

در تحقیق لاژویک[2]، با بررســی تأثیر تلفیق هنر در کلاس ابتدایی و چگونگی درک، پیاده‌ســازی و تجربه ادغام هنر در معلمان ابتدایی، نشــان داد که از هنرها نه تنها برای اهداف تزئینی (کم اهمیت) استفاده می‌شود، بلکه به‌کارگیری مؤلفه هنر در ادغام هنر نیز بسیار ناچیز است. با استفاده از تجربیات شخصی، مصاحبه‌های معلمان، جلسات گروهی متمرکز و مشاهدات کلاسی، لاژویک به این نتیجه رسید که هنرها در ادغام هنر کم ارزش می شوند (لاژویک، ۲۰۱۳).

[1] Feland
[2] LaJevic

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

مطالعات اندکی در جهت روشن ساختن دشواری‌هایی که معلمان در (آموزش هنر و پیاده سازی برنامه‌های جدید تحصیلی در رشتهٔ هنر) با آن‌ها مواجه هستند در ایران انجام شده است. بسیاری از مطالعات در مورد اجرای برنامهٔ آموزشی به‌طور کلی انجام شده‌اند با این وجود، مطالعاتی در زمینهٔ تلفیق حوزه‌های مختلف درسی با همدیگر انجام گرفته است.

در مطالعهٔ نامداری و همکاران، شناسایی موانع اجرای برنامهٔ معلم پژوهنده از دید معلمان پژوهنده و کارشناسان در استان همدان انجام گرفت. پس از بررسی تحلیلی پرسش‌نامه توسط یک گروه از متخصصان اقدام پژوهی، موانع اجرای برنامهٔ معلم پژوهنده به تفکیک به‌صورت ترتیبی، شامل موانع مدیریتی، ضعف اطلاع‌رسانی، ضعف توانایی پژوهشی معلم، مشکلات ارزشیابی، نارسایی دوره‌های آموزشی، موانع سازمانی و ضعف محتوای آموزشی بودند (نامداری و همکاران، ۱۳۹۲).

در سال ۱۳۹۵، دربارهٔ تلفیق زیباشناسی در برنامهٔ درسی پژوهش‌هایی انجام شد. یافته‌ها نشان دهندهٔ این امر بودند که صرف به دست آوردن مهارت و تکیه بر اصول و عناصر هنر و طراحی به‌عنوان تنها شکل ایجاد انگیزه کافی نیست و به‌کارگیری تلفیق هنر در برنامهٔ درسی وقتی ارزشمند است که همراه با اکتشاف، نوآوری و در فضایی آزادانه باشد (طالب و مهرجو، ۱۳۹۵).

زمانی که در مورد پیاده‌سازی برنامهٔ درسی و تغییر صحبت به میان می‌آید، مهم است یادآوری شود که یک برنامهٔ درسی یک مجموعه ثابت از اهداف و نتایج مورد انتظار از قبل تعیین شده نیست. برنامهٔ درسی آن چیزی است که در کلاس درس اتفاق می‌افتد و اینکه معلم چطور دانش را به دانش‌آموزان انتقال می‌دهد.

در گام آخر به نظر می‌رسد زمانی که هنرهای مختلف باهم تلفیق می‌شوند، دانش‌آموزان اشتیاق بیشتری به یادگیری هنر دارند. در تمامی موارد هنگامی که کار هنری با موسیقی همراه می‌شود، فعالیت هنری با دقت و ظرافت بیشتری انجام می‌گردد و می‌توان هر نقاشی یا هنر تجسمی را با یک آهنگ خاص کدسازی کرد. جالب‌تر آن است که وقتی این هنرها با دیگر دروس دانش‌آموزان (مانند علوم و ریاضی و ...) تلفیق می‌شود، مهارت یادگیری دروس دیگر بالا می‌رود.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

نتیجه‌گیری

این مطالعهٔ کیفی، چالش‌هایی که معلمان مقطع ابتدایی در یک مدرسه در تلاش برای اجرای برنامهٔ درسی جدید آموزش هنر در البرز با آن روبرو هستند و پتانسیل پژوهش عمل‌نگر جمعی به‌منظور تسهیل در اجرای این برنامه را مورد بررسی قرار داد. یک گروه پنج نفره از معلم‌ها و دانش‌آموزان آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و موفقیت آن‌ها و مشکلاتی که آن‌ها در فرآیند اجرا با آن روبرو بودند مشخص شد. مشخص شد که تلفیق هنر به یادگیری دانش‌آموزان مدرسه کمک می‌کند، این امر به دلیل علاقهٔ دانش‌آموزان در زمان تلفیق هنر صورت گرفت. با به‌کارگیری هنرهای مختلف (تلفیق هنر) و بهینه شرایط اجرای آن (اقدام پژوهی) مشخص شد که دانش‌آموزان به تغییر برنامهٔ هنری برای چند محوری بودن آن (برنامهٔ آموزش هنری جدید) علاقه‌مند هستند و نتایج رضایت بخشی هم در زمینهٔ آموزش و فراگیری آن هم ایجاد شد. ماهیت این مطالعه، این اجازه را نمی‌دهد که بتوان تعمیم کلی انجام داد، اما برخی نتیجه‌گیری‌های دراز مدت (آرمانی) را می‌توان بیان کرد.

از این مطالعه می‌توان نتیجه گرفت که یک سری دوره‌های آموزشی معنی‌دار برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامهٔ درسی جدید هنر و تلفیق آن مورد نیاز است. برخی، اگر نگوییم همه، از این جلسات باید در طول زمان مدرسه ارائه شوند تا این اطمینان ایجاد شود که پیاده‌سازی و اجرای برنامه بار اضافی دیگری بر دوش معلم‌های پرمشغله نیست، باری که می‌توان به راحتی از شرّ آن خلاص شد.

دوم اینکه، پیاده‌سازی و اجرا نیازمند ریسک کردن است و برای اینکه معلم‌ها بتوانند ریسک کنند و موفق شوند، یک سیستم حمایتی باید وجود داشته باشد. این حمایت باید جلسات پی‌درپی و عملی دوره‌های آموزشی، منابع درسی مناسب و زمان لازم برای حضور در این جلسات را شامل شود.

نتیجهٔ سوم اینکه، پژوهش عمل‌نگر جمعی تا حد زیادی به اجرای برنامهٔ درسی جدید آموزش هنر در یک مدرسه ابتدایی کمک کرده است. شرکت کنندگان در این مطالعه، مکرراً به ارزش جلسات جمعی به‌عنوان ابزاری برای به اشتراک‌گذاری تجربیات اشاره کردند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

همچنین آن‌ها احساس کردند که جلسات گروهی منظم، آن‌ها را مجبور می‌کند تا ایده‌های جدیدی را امتحان کنند، بنابراین آن‌ها اطلاعاتی برای به اشتراک گذاشتن در طول جلسات بعدی خواهند داشت.

پژوهش عمل‌نگر بیشتر در جمع‌آوری شواهدی که تفکرات گروهی سفت و سخت را می‌توان بر آن‌ها استوار کرد، نظام‌مند و جمعی می‌باشد. پژوهش عمل‌نگر صرفاً حل مشکل نیست، بلکه از یک تلاش برای بهبود دادن و درک جهان با تغییر دادن آن و یادگرفتن اینکه چطور می‌توان آن را با استفاده از تأثیرات تغییرات صورت گرفته بهبود داد، انگیزه می‌گیرد.

گروه‌های پژوهش عمل‌نگر جمعی، در ترکیب با یک سری دوره‌های آموزشی منسجم و منابع درست، به‌طور قطع کمک می‌کنند تا از اجرای موفق برنامهٔ درسی آموزش هنر و شاید تمامی دیگر موضوعات درسی، پیشرفت حاصل شود. به دلیل اینکه هنر مشکلات متعدد و منحصر به فردی را برای معلم‌هایی که معلومات قبلی محدودی در خصوص آن دارند ایجاد می‌کند، این مشکلات را می‌توان از طریق مشارکت جمعی به حداقل رساند.

مدارس متناسب با شرایطی که دارند (امکان به کارگیری مربی هنر، در اختیار داشتن فضای یادگیری و ...) و با توجه به رویکرد اقدام پژوهی، فقط می‌توانند از مباحث نظری و تجربی پژوهش و یافته‌های آن در راستای تصمیم‌های معلمان در کلاس درس و همچنین به‌منظور شرکت در پروژه‌هایی همچون طرح معلم-پژوهنده (اقدام پژوهی) و جشنواره الگوهای برتر تدریس و نظایر آن بهرهٔ لازم را ببرند.

این پژوهش، آگاهی‌های لازم را دربارهٔ رویکرد تلفیقی به برنامهٔ درسی و آموزش (به‌طور عام) و رویکرد تلفیقی به برنامه‌های درسی هنر (به‌طور خاص) با توجه به طراحی‌های آموزشی صورت گرفته همچنین رویکرد تلفیقی به هنر و سایر مواد درسی را در اختیار مدرسان دوره‌های آموزشی هنر، آموزگاران، مربیان هنر و دانشجویان تربیت معلم قرار می‌دهد. نگارنده امید دارد که این آگاهی‌ها بتوانند غنای بیشتر به خدمت معلمی ببخشند و امکان تسهیل بخشیدن به تحول رویکردی و روشی را در آموزش فراهم آورند.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

همچنین پرداختن به هنر در مدرسه مشارکتی صرفاً پرداختن به نقاشی نیست و شامل انواع هنرها است از جمله: حجم و مجسمه، آشنایی با عکاسی، تئاتر، طراحی، موسیقی، سینما، انیمیشن، بازدیدهای هنری، خوشنویسی و ... نیز هست که همه این‌ها تأکید بر یادگیری در بستر زندگی را دارند و در کل مدرسه و تمامی دروس این جریان به هم پیوسته و یکپارچه به اجرا در می‌آید.

در واقع تلاش دارند که از طریق برنامه‌های هنری، طنینی در ذهن کودک ایجاد شود که بازتاب آن نه صرفاً به صورت تولید یک اثر هنری زیبا بروز کند بلکه بازتابی ایجاد شود که ممکن است چند ماه بعد و یا چند سال بعد با قرار گرفتن کودک در شرایطی ویژه بروز کند و چون این فرآیند در ناخودآگاه او نهادینه شده در زمان بروز آن خود فرد از این اتفاق آگاه نیست. آموزش هنر نقاشی طبیعتاً به اندازه هر درس دیگری در مدرسه و بلکه بیشتر به آمادگی، برنامه‌ریزی، راهنمایی و راه‌حل‌های تکنیکی نیاز دارد.

منابع

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- استیگلر، جیمز؛ هیبرت، جیمز (۱۳۸۳)، *شکاف آموزشی*، ترجمهٔ محمدرضا سرکارآرانی و علیرضا مقدم، تهران: انتشارات مدرسه.

- آغداشلو، آیدین؛ حلیمی، محمدحسین؛ رامین، علی و کشمیرشکن، محمد (۱۳۸۹)، *گفت و شنود دربارهٔ مفهوم تولید هنری*، پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت، گروه پژوهشی برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس.

- بازرگان، عباس (۱۳۷۳)، *نقش اطلاع‌رسانی در پژوهش، مجموعه سخنرانی های ایراد شده در سومین گردهمایی سراسری اعضای شوراهای تحقیقات استان‌ها*، دبیرخانه شورای سیاست‌گذاری، ش ۱۳: ۷۰-۵۰.

- چایچی، پریچهر؛ گویا زهرا؛ مرتاضی مهربانی، نرگس و ساکی، رضا (۱۳۸۵)، *ارزیابی میزان تحقق اهداف برنامه معلم پژوهنده*، فصلنامهٔ تعلیم و تربیت، ش ۸۵: ۱۳۳-۱۰۷.

- دوستی، ایرانی مهری؛ عبدلی، سامره؛ پرویزی، سرور؛ سیدفاطمی، نعیمه و امینی، مسعود (۱۳۹۰)، چتری به نام اقدام پژوهی، ***آموزش در علوم پزشکی***، س ۱۱، ش ۹: ۱۲۳۰-۱۲۲۳.

- ذکریایی، منیژه؛ سیف نراقی، مریم؛ شریعتمداری، علی و نادری، عزت اله (۱۳۸۷)، اجرای برنامه‌های درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی، *پژوهشنامهٔ تربیتی*، س ۴، ش ۱۶: ۵۲-۱۹.

- ساکی، رضا (۱۳۸۶)، مدرسه پژوهنده، *پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش-پژوهشنامه آموزشی*، ش ۲۵: ۳۲-۲۹.

- شرفی، حسین (۱۳۹۰)، طراحی و تدوین برنامهٔ درسی هنر بر اساس رویکرد تلفیق هنر و علوم با تأکید بر مفهوم تولید هنری در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی، *فصلنامهٔ تعلیم و تربیت*، س ۲۷، ش ۲(۱۰۶): ۱۳۰-۱۰۵.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

- طالب، زهرا؛ مهرجو، ناهید (۱۳۹۵)، واکاوی تجربیات معلمان از ضرورت تلفیق زیبایی‌شناسی در برنامه درسی، *فصلنامهٔ مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، س ۱۱، ش ۲: ۱۵۴-۱۳۷.

- فلاحتی، زهرا (۱۳۹۱)، *اثر آموزش هنرهای محیط زیست بر خلاقیت مدارس ابتدایی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تهران.

- کاظم‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵)، تأثیر آموزش تلفیقی هنر در ریاضی بر میزان یادگیری و خلاقیت دانش‌آموزان، *فصلنامهٔ علمی-پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، س ۶، ش ۱: ۹۰-۷۳.

- گو یا، زهرا (۱۳۸۳)، *اقدام پژوهی راهبردی برای بهبود آموزش و تدریس*، تهران: انتشارت پژوهشکده تعلیم و تربیت.

- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۲)، *سازواری رویکرد تلفیقی با نظریه ساختن گرایی (مجموعه مقالات رویکرد تلفیقی به برنامه درسی)*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۳)، *آموزش عمومی هنر*، تهران: انتشارات مدرسه.

- مهرمحمدی، محمود؛ امین خندقی، مقصود (۱۳۸۸)، مقایسهٔ ایدئولوژی‌های برنامهٔ درسی آیزنر با میلر: نگاهی دیگر، *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، س ۱۰، ش ۱: ۴۵-۲۷.

- نامداری پژمان، مهدی؛ قنبری، سیروس و محمودی، حشمت اله (۱۳۹۲)، شناسایی موانع اجرای برنامه معلم پژوهنده از دید معلمان پژوهنده و کارشناسان: مورد مطالعه استان همدان، *پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*، س ۳، ش ۲: ۲۱۶-۱۹۵.

- نیوشا، بهشته؛ پاکدامن، آذر و اویسی، زهرا (۱۳۹۲)، الگوی تدریس بدیعه پردازی در خلاقیت هنری و تفاوت آن در دختران و پ سران، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، س ۲، ش ۱: ۱۷۶-۱۶۰.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

Feland, C., Petrik, K., Larson, J., (2016). *Increasing student learning through arts integration*. Retrieved from Sophia, the St. Catherine University repository.

Grierson, E.M., (2011). *Art and creativity in the global economies of education.* Educational Philosophy and Theory, 43(4): 336-350.

LaJevic, L., (2013). *Arts integration: What is really happening in the elementary classroom*? Journal for Learning through the Arts, 9(1): 1-30.

Zuber-Skerritt, O., Perry, C. (2010). *Action research within organizations and university thesis writing.* Journal of the Learning Organization, 9(4): 171-179.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

پیوست

تصاویری از فعالیت‌های هنری انجام گرفته و تلفیق هنرهای مختلف




شکل ۱- تلفیق هنر تجسمی و مواد دور ریختنی و ایجاد گل




[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

شکل ۲- تلفیق داستان سرایی و نمایش همراه با موسیقی خلاقانه دانش‌آموزان





شکل ۳- تلفیق نقاشی با هنر دستی (هنر تجسمی)



شکل ۴- تلفیق هنر نقاشی با هنرهای بصری تجسمی و تبدیل به شخصیت‌های داستانی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]



شکل ۵- تلفیق هنر نقاشی پرتابی با هنر گرافیکی یا هنر تجسمی



[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

شکل ۶- تلفیق هنر نقاشی با خشنویسی و یا تصویر سازی



شکل ۷- تلفیق هنر تجسمی با نقاشی همراه با وسایل دور ریختنی



شکل ۸- تلفیق هنر نقاشی با هنر تجسمی: برجسته کاری (به کمک کنف و کاموا)



شکل ۹- تلفیق کاردستی و خلاقیت ذهنی (هوش چندگانه)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]



شکل ۱۰- تلفیق هنر نمایش و هنر تجسمی (سمت راست)؛ تلفیق هنر تجسمی با هنر انتزاعی (هوش چندگانه، برجسته سازی)



[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]

شکل ۱۱- تلفیق انواع هنرها و تبدیل آن‌ها به فصل‌ها (هنرهای برجسته کاری، نقاشی، تجسمی)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-07]